

بسمه تعالیٰ  
مجلس شورای اسلامی  
دوره دوم - سال اول  
۱۴۶۴ - ۱۴۶۳

شماره ترتیب چاپ ۲۷۵

شماره دفتر ثبت ۱۸۱

شماره ۷۴۵۸۸

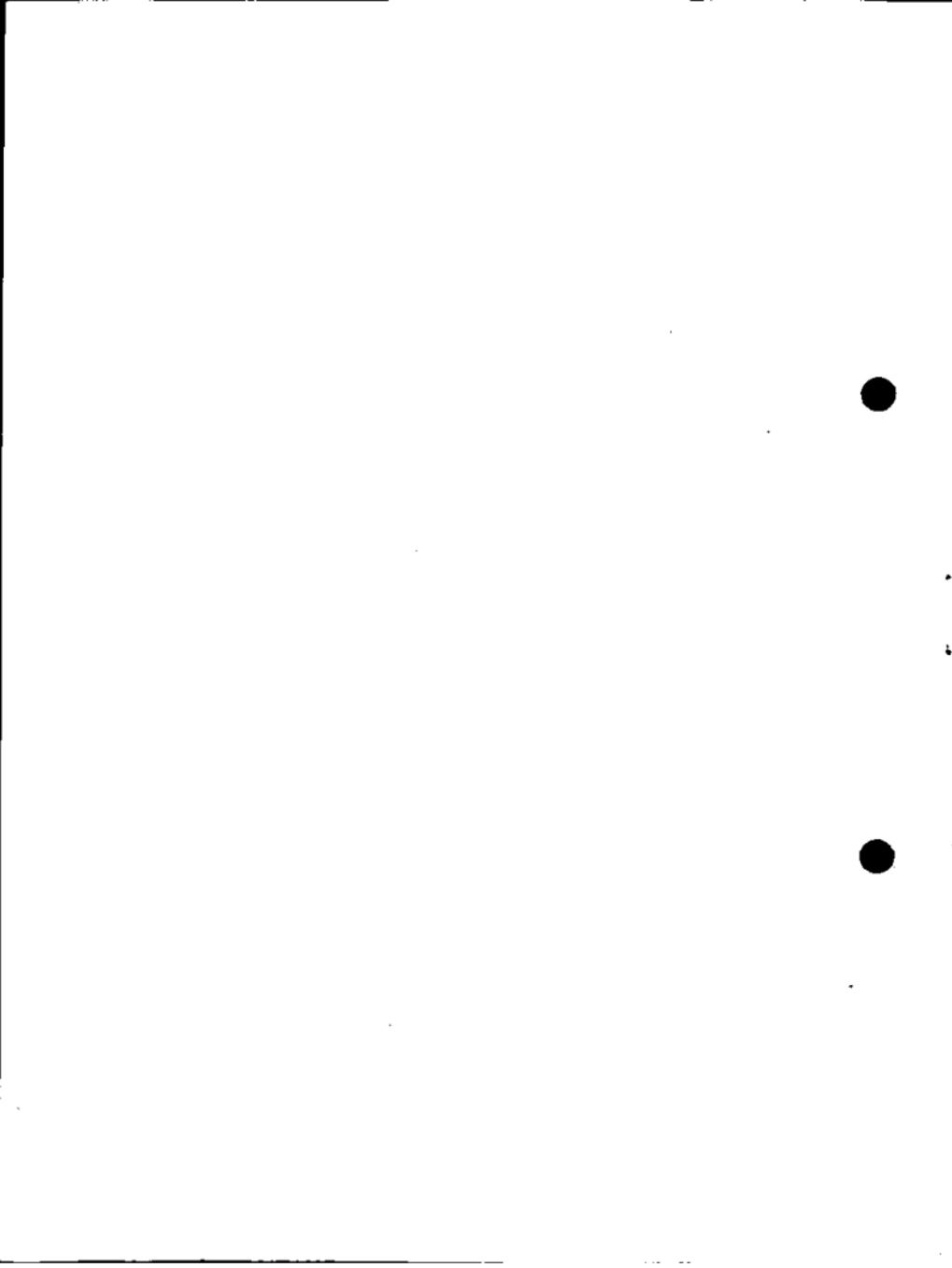
تاریخ ۱۴۶۳/۱۰/۲

برادرگرامی حجت‌الاسلام والملیمین آقای‌هاشمی رفسنجانی  
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو که بنایه پیشنهاد شماره ۱۹۸۷ مورخ ۱۴۶۲/۹/۲۲  
دادگستری جمهوری ایران در جلسه مورخ ۱۴۶۳/۱۰/۱ هیات  
وزیران بتصویب وسیده است به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارد.

نخست وزیر  
میرحسین موسوی

نظر باینکه نحوه رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگاههای صلح و حقوقی کنونی  
و نیز تشکیلات دادگاههای مزبور بعضاً با موازین منبع مطابقت ندارد و از جمله در دادگاههای  
عمومی حقوقی چند قاضی مشترکاً می‌ادرت به انشاء رای مینمایند و رای آنها نیز فرجام پذیر  
است و پس از نقض نیز ممکن است که بر ونده برای رسیدگی به مرجع دیگری فرستاده شود  
و نظر باینکه نسبت به اکثر دعاوی مطروحه در دادگاه صلح ماهیتا در دو مرحله رسیدگی  
عمل می‌آید درنتیجه برای هماهنگ شدن نظام قضائی و همچنین تسريع در رسیدگی به  
دعاوی حقوقی در عین حفظ حقوق اصحاب دعوا لایحه زیر بنا به پیشنهاد شورای عالی  
قضائی تقدیم می‌گردد.



## لایحه تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو

ماده ۱ - دادگاههای حقوقی به دادگاههای حقوقی "یک" و دادگاههای حقوقی "دو" تقسیم میشوند.

ماده ۲ - دادگاه حقوقی یک تشکیل میشود از رئیس یا عضو علی البدل و یک مشاور.

ماده ۳ - حق رای با رئیس یا عضو علی البدل دادگاه است. مشاور مکلف است قبل از

اتخاذ تصمیم دادگاه پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نماید. وحداکثر در ظرف ۵ روز نظرات خود را کتبی و بطور مستدل اعلام نماید.

تبصره - چنانچه مشاور در مدت تعیین شده نظر مشورتی خود را بعد از دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه را سا اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۴ - دادگاه حقوقی "دو" تشکیل میشود از رئیس یا عضو علی البدل، چنانچه رئیس یا عضو علی البدل در موارد معین نیاز به مشاور داشته باشد میتوانند از رئیس کل دادگاهها و یا رئیس دادگستری حوزه متبع خود درخواست مشاور کنند و رئیس مزبور مکلف به معرفی مشاور است و حکم قاضی پس از مشاوره صادر میشود.

ماده ۵ - دادگاههای حقوقی "یک" به کلیه دعاوی حقوقی و امور حسی رسیدگی میکنند مگر آنچه بمحض قانون در صلاحیت دادگاه حقوقی "دو" یادداگاه مدنی خاص باشد.

ماده ۶ - در نقاطی که دادگاه حقوقی "دو" تشکیل نشده باشد و یا به تشخیص رئیس دادگستری محل، کار این دادگاه متراکم باشد، دادگاه حقوقی "یک" میتواند به اموری که در صلاحیت دادگاه حقوقی "دو" است رسیدگی نماید، ولی کسب نظر مشاور الزامی است. رای دادگاه حقوقی "یک" در این مورد قابل تجدیدنظر شکلی نیست.

ماده ۷ - امور راجع به دادگاههای حقوقی "دو" بقرار ذیل است.

۱ - دعاوی راجع به اموال منقول و غیر منقول و دیون و منافع و زیان ناشی از جرم و ضمان قهری در صورتیکه خواسته بیش از دومیلیون ریال نباشد.

۲ - تخلیه یا رفع ید از اموال منقول و غیر منقول در صورتیکه مالکیت مورد نزاع نباشد و در صورت اختلاف در مالکیت نصاب مذکور در بند (۱) معتبر است.

۳ - دعوی رفع مزاحمت و کلیه دعاوی راجع به حقوق ارتفاقی از قبیل حق العبور و حق الاجری در ملک دیگری و امثال آن تا هرمیزانی که باشد و حقوق انتفاعی بشرطی که

بیشتر از نصاب نباشد.

- ۴ - مطالبه وفای بشرط و عهود راجع به معاملات وقراردادها مشروط به اینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشد والا نصاب دادگاه حقوقی (دو) معتبر است.
- ۵ - درخواست افزار و تقسیم و فروش اموال مشاع ( باستانی مواردی که قانون در صلاحیت سازمان ثبت قرارداده است ) درصورتیکه مالکیت محل نزاع نباشد.
- ۶ - تجدیدنظر نسبت به تصمیمات قابل اعتراض واحدهای ثبتی درمورد افزار املاک مشاع.
- ۷ - دعاوی راجع به روابط موجرو مستاجر ب والاستنای دعاوی مربوط به تخلیه محل کسب و پیشه درمناطقی که قانون روابط موجرو مستاجر جرامیشود ، ولی درخصوص مطالبه اجرور نصاب دادگاه حقوقی (دو) معتبر است.
- ۸ - درخواست تامین و حفظ دلائل و امارات .
- ۹ - درخواست صلح و سازش بین طرفین درهر دعوی و بدون رعایت نصاب .
- ۱۰ - درخواست گواهی انحصار و راثت مگراینکه دعوی نسب یا زوجیت یا اختلاف در وصیت یا وصیت نامه طرح شود یا اختلاف در اصل نکاح و طلاق باشده در اینصورت دادگاه مدنی خاص صلاحیت رسیدگی به انحصار و راثت راهم دارد .
- ۱۱ - دعاوی راجع به حقوق مالی از قبیل حق شفعه و حق فسخ و دعوى بطلان معامله وی اعتباری سند درصورتیکه حق یامورد معامله بش از حد نصاب نباشد .
- ۱۲ - دعوى مزاحمت و ممانعت از حق وتصوف عدواني در عین غیر منقول تاهر میزانی که باشد .
- ماده ۸ - درصورت تراضی کتبی طرفین دعوا دادگاه حقوقی (دو) میتواند تا هر میزانی که باشد به آن دعوا رسیدگی نماید .
- ماده ۹ - اگر در مقر دادگاه حقوقی (دو) دادگاه حقوقی (یک) نباشد دادگاه حقوقی (دو) بامور زیر نیز رسیدگی خواهد نمود .
- ۱ - دعاوی که خواسته آن نا چهارمیلیون ریال باشد .
- ۲ - دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال و شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیات حل اختلاف ثبت احوال .
- تبصره - احکام مربوط به این موارد نظیر دیگر احکام دادگاههای حقوقی (دو) جز درمورد ماده ۱۲ قطعی است .

ماده ۱۰- درمورد احکام غیابی محاکوم علیه غایب حق دارد ظرف یکماه از تاریخ رویت یا اطلاع واقعی از حکم به آن اعتراض نماید مگر اینکه اعتراض از حق ثابت شود دادخواست اعتراض در دادگاه صادرکننده حکم بهترتبیب مقرر برای دادخواست اصلی رسیدگی نمیشود.

ماده ۱۱- چنانچه محاکوم علیه پس از اجرای حکم از مفاد آن مطلع شده و واخواهی نماید و در رسیدگی بعدی حکم به نفع واخواه صادر شود مدعی محاکوم به پرداخت ضرر ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه میباشد.

ماده ۱۲- احکام و قرارهای دادگاههای حقوقی (دو) قطعی و غیرقابل تجدید نظر است مگر در موارد زیر،

۱- جائی که قاضی قطع پیدا کنده حکم شیر خلاف موازین قانونی و باشرعی بوده است.

۲- جائی که قاضی دیگر بعلت عدم توجه قاضی اول به قواعد و موازین ضروری و مسلم فقهی قطع به مخالفت حکم او با موازین قانونی یا شرعی پیدا کند.

۳- جائی که ثابت شود قاضی صلاحیت رسیدگی و انشاء حکم را در موضوع پرونده نداشته است.

تبصره - مرجع تجدید نظر تصمیمات دادگاه حقوقی (دو) دادگاه حقوقی (یک) است و احکام صادره از دادگاه حقوقی (یک) در این موارد قطعی است، لکن چنانچه در رسیدگی دادگاه حقوقی یک نیز یکی از سه مورد بالاتحقق یافت، رسیدگی در دیوان عالی کشور صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۳- قرارهای صادره ذیل از دادگاههای حقوقی (یک) و (دو) به تنهایی قابل تجدید نظر است که مرجع تجدید نظر و نقض قرارهای دادگاههای حقوقی یک دیوان عالی کشور خواهد بود.

۱- قرار رد یا ابطال دادخواست.

۲- قرار سقوط دعوی.

۳- قرار رد دعوی یا عدم استماع آن.

تبصره - رسیدگی پس از فتح قراربهمان دادگاه صادرکننده قرار ارجاع خواهد شد.

ماده ۱۴- در دادگاه حقوقی یک، رئیس دادگاه پس از رسیدگی به دعوی و مطالعه پرونده و نظریه مشاور نظر خود را به طرفین ابلاغ نماید و چنانچه مورداً اعتراض طرفین

یا یکی از آنها نبود رای میدهد و چنانچه نظر وی مورد اعتراض هردو طرف یا الحد طرفین بود، بدون انشاء رای نظر واستنباط قضائی خود را موجهاً بطور کتبی به دیوان عالی کشور میفرستد. دیوان عالی کشور پس از ملاحظه نظریه دادگاه رسیدگی به پرونده چنانچه نظریه را صحیح و موجه تشخیص داد آنرا تنفيذ و پرونده را اعاده مینماید تاریخی دادگاه انشاء حکم کند. در این صورت رای صادره قطعی است.

ماده ۱۵ - هرگاه دیوان عالی کشور نسبت به نظریه قضائی دادگاه حقوقی یکای راد داشته باشد یا نقاوصی را مشاهده نماید نظر خود را مستدلاً همراه با پرونده به دادگاه رسیدگی کننده ارسال مینماید، چنانچه دادگاه نظر دیوان عالی را بدیرفت مطابق آن حکم مقتضی صادر خواهد کرد. در غیراینصورت پرونده را نزد ریاست کل دادگاهها ارسال مینماید تا حسب الارجاع در شبهه دیگر رسیدگی ماهوی شود. شعبه مرجع الیها نیز پس از رسیدگی چنانچه نظر دیوان عالی کشور را بدیرفت مطابق آن انشاء حکم مینماید والا پرونده مجدداً به دیوان عالی کشور فرستاده میشود. در اینگونه موارد پرونده درهیات عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور مطرح و مطابق نظر اکثریت مطلق اعضاء به یکی از طریق زیر عمل میشود.

۱- در صورتیکه هیات عمومی دیوان عالی کشور نظر یکی از شعب دادگاه حقوقی یک را صحیح و موجه تشخیص دهد پرونده را به همان شعبه میفرستند تا انشاء حکم نماید.

۲- نظرات قضائی دو شعبه رسیدگی کننده مشابه هردو صحیح و موجه است در این صورت پرونده به شعبه رسیدگی کننده ثانوی جهت انشاء حکم ارسال میشود.

۳- در غیرموارد مذکور در فوق هیات عمومی طبق نظریه اکثریت مطلق اعضاء پرونده راجهت ارجاع به یکی از شعب دیوان عالی نزد ریاست کل میفرستد و پس از ارجاع شعبه مرجع الیها مکلف است نسبت به موضوع پرونده ماهیتنا رسیدگی و حکم مقتضی را انشاء نماید. حکم صادره قطعی است.

ماده ۱۶ - رسیدگی به کلیه دعاوی در دادگاههای حقوقی یک و دوبار عایت قواعد اختصاری بترتیب مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی خواهد بود، هزینه دادرسی و دفتر در دادگاههای حقوقی دو بهمیزان هزینه دادرسی و دفتر دادگاه صلح سابق و در دادگاههای حقوقی یک بهمیزان دادگاه عمومی حقوقی سابق است.

ماده ۱۷ - ادامه رسیدگی نسبت به دعاوی و اموریکه در تاریخ اجرای این قانون

در دادگاههای صلح مطرح باشد با دادگاه حقوقی دو واگر در دادگاههای عمومی حقوقی مطرح باشد با دادگاه حقوقی یک خواهد بود ولی احکام صادر عازمیت قابلیت تجدیدنظر واعمال نظر فرجامی تابع نصاب مذکور در این قانون است.

ماده ۱۸ - دادگاههای حقوقی یک و دواز تاریخی که شورایعالی قضائی اعلام مینماید تشکیل و از آن تاریخ دادگاههای صلح و حقوقی منحل میگردند.

ماده ۱۹ - از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد ملنی است . / ن

وزیر دادگستری

نخست وزیر

تاریخ چاپ ۱۴۶۳/۱۰/۵  
اداره کل قوانین